



آقای سید مرتضیٰ میرزا
نورالله مرعجه شریف
مدرس عالی
سید مرتضیٰ میرزا
طاب ثراه

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

رجال الغیب

نوشته مهدی زنگنه پور

عارفان و مرشدان و پیشوایان متصوفه مظهر اکتشافات اند و هر جا که اسم خضری برده شده منظور یکی از افراد رجال الغیب بوده و باین جهت کلیه سالکان طریقت و پیروان راه حقیقت همیشه از خضر وقت خود طلب همت و مشاهده او را آرزو و آنرا بزرگترین موهبت الهی دانسته اند و بیشتر وقتها باستعانت همین رجال الغیب بمقامات عالی معنوی توفیق یافته و بالنتیجه اینان دستهای قدرت عظیم خداوندی هستند که چرخهای تکامل عالم را بگردش درمیآورند. این رجال الغیب در ادوار مختلف بنامهای مخصوص ظهور کرده و قافله بشری را بسوی تکامل سوق میدهند و اینان نسبت بدرجات خود از عالم ناسوت با افراد بشر روابط جسمانی دارند ولی بدیده آنان دیده نمی شوند از طرف دیگر برابر عوالم نامرئی و علوم مخفی که بمدارج تکامل از راه ریاضت جدا کثر ترقی آن راه میتوان یافت بهمهمه افراد بشر قدرت داده شده که بتدریج برهبری رهبران معنوی (رجال الغیب) از خود نیز منشاء بروز همین گونه قدرتها و کرامتها واقع گردند رجال الغیب را طبقاتی و برای هر طبقه وظائفی مقرر است مثل

«اوتاد» که جهت شرق و غرب و شمال و جنوب و «بدلاء» که قیام زمین با آنها است «ونجباء» کار آنها تحمل زحمات مردم «ونقباء» که وظیفه آنها آشکار ساختن اسرار دلهاست. هر فرد میتواند با تعلیمات مخصوص بمقامیکه آنان بدان رسیده‌اند برسد و اینان از عهدهای خیلی قدیم بهدایت افراد بشر همت گمارده‌اند. کلیه انبیاء و رسل از سلسله‌ی همین رجال الغیب محسوب‌اند و در میان هر قومی در هر عهدی ظهور میکنند چنانکه آنانرا در هر عصری بنام ولی یا «خضروقت» مینامیم زیرا آنان مانند خضر هر جا بخواهند حاضر میشوند و مستعدینرا هدایت و ارشاد میکنند ولی هر دیده‌ئی آنان را نمی‌بیند بلکه دیده‌ی باطن‌بین و خضرین لازم است.

رجال الغیب: سیصد و پنجاه و شش تن هستند اوتاد - بدلاء - اخیار - امناء - نجباء - رقباء - نقباء که در عالم فیض میدهند.

بدین ترتیب اوتاد سه تن بدلاء پنج تن اخیار پنج تن امناء هفت تن نجباء چهل تن رقباء هفتاد تن نقباء دویست و بیست و هفت تن کلیه کرامات و خوارق عادات که با ولیاء خضر وقت نسبت داده شده و میدهیم که کتب متصوفه از آنها مشحون است و بر مراتب بالاتر و خارج از دائره‌ی فهم و ادراک و عقل امروزی بشر است درباره‌ی این رجال الغیب صادق میباشد بدون اینکه افراد بشر درک کنند کما اینکه فرشتگان رحمت همیشه وهمه وقت و همه‌جا آماده یاری و همراهی و راهنمایی نوع انسانی هستند و کرامات و معجزات و خوارق عادات رجال الغیب را میتوان شرح زیر خلاصه نمود.

۱ - طی الارض که در یک لحظه میتوانند جسم خودرا انتقال دهند و دیده شوند که آنرا طی المکان گویند.

۲ - تحریک و نقل اجسام از جائی بجای دیگر بدون وسیله‌ی ظاهری.

۳ - انتقال افکار خود بهریک از نقاط عالم.

۴ - متشکل شدن بشکلهای مختلف دریک لحظه برای نجات افراد بشر در موقع خطرات مانند طوفان و حریق و طغیان سیل و زلزله و غیره.

۵ - ترك جسم مادی دریک مدت معین بنام «تخلیه».

۶ - خلق مواد و اشیاء مانند حاضر ساختن انواع خوردنی و آشامیدنی.

۷ - مقیاسات کوتاه زمان که ما آنها را ماضی و حال و مستقبل تعبیر میکنیم برای

آنان وجود ندارد زیرا اساساً زمان و مکان مخلوق پندار محدود بشری است و جز نمودار مناسبات وهمی ما باما سواى خود نیستند.

جلال‌الدین بلخی که کتاب مثنوی او بمنزله دائره‌المعارف عرفان است میفرماید پس بهردوری ولیئی قائم است - نایقامت آزمایش دائم است تا آنجا که میفرماید پس فقیر آنست کوی واسطه است - شعله‌ها را با وجودش رابطه است.

رجال الغیب و لطائف هفتگانه ۱

طبع نفس قلب روح سر خفی اخفی از حاج ملاهادی سبزواری

۱ - از رجال الله عصر حاضر آقای آقا سید اسدالله یزدی ظهور علیشاه از سادات حسینی فرزند حجة الاسلام آقای آقا سید موسی مجتهد یزدی المسکن و سبستانی الاصل نامبرده لسان کشیده و پیاله خورده‌ی حاجی بهار علیشاه یزدی و سپس تلقین یافته و خلیفه از طرف آقا تقی خوئی صمد علیشاه شده که ایشان خلیفه از طرف میرزا علی تقی جنت‌علیشاه و نامبرده از طرف حاج ملارضای همدانی کوثر علیشاه صاحب تفسیر ووی از طرف نورعلیشاه اصفهانی خلیفه بوده‌اند «نورعلیشاه مجذوب‌علی شاه همدانی را ظاهراً و کوثرعلیشاه را باطناً ارشاد و خلیفه‌ی خود گردانید».

بقیه باورقی در صفحه بعد

نفس قلب سر روح خفی اخفی سلطان . از حاجی مونسعلیشاه شیرازی ذوالریاستین ۲ لسان پیاله خوردن کسوت گرفتن گل سپردن جوزشکستن درخانه حقیقت چراغی گرفتن لنگ و خزانداشتن و مرشد شدن از عارف بالله حاجی بهارعلیشاه خاکسار جلالی (۳) . چشم نرگس وریش دو فاق ۲ بنام پسر ابوطالب بنام شاه حوشین بنام سلطان صحاك بنام شام فرمزی بنام محمدیگ بنام خان آتش . از نظر پیران اهل حق

بقیه پاورقی از صفحه قبل

ظهور علیشاه آقای سیداسدالله یزدی با حالات جذبه بمعیت شیخ گروسی محمدعلی عطار اعلی الله مقامه چون عزم زیارت قبله هفتم امام هشتم فرمودند این راه را پیاده طی کردند و هیجده ماه از راه بیراهه باحالت جذبه و ریاضت پیمودند و با برگ درختان و غلف بیابان سد جوع مینمودند و در مشهد مقدس بمدت چند سال باهمان حالات جذبه مورد عنایت و مرحمت خاص و مستقیم حضرت ثامن الائمه (ع) واقع میشود و چون خلیفه و جانشین از طرف آقا تقی خوئی صمدعلیشاه در سلسله نعمت الهی بودند بطریق نعمت الهی دستگیری میفرمود شرح خوارق عادات و کرامات او مشهور خاص و عام است ولی تقریر آنرا نشاید زیرا علمای امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» در سال ۱۳۴۸ قمری یحسان جاوید خرامید مرقد مطهرش در صحن شمالی امامزاده عبدالله طهران قرار دارد ادام الله فیوضاته علی الطالبین و المشتاقین از غزلیانی که از آن بزرگوار باقی مانده قطعه زیر است که محض تبرک و تیمم

درج میشود :

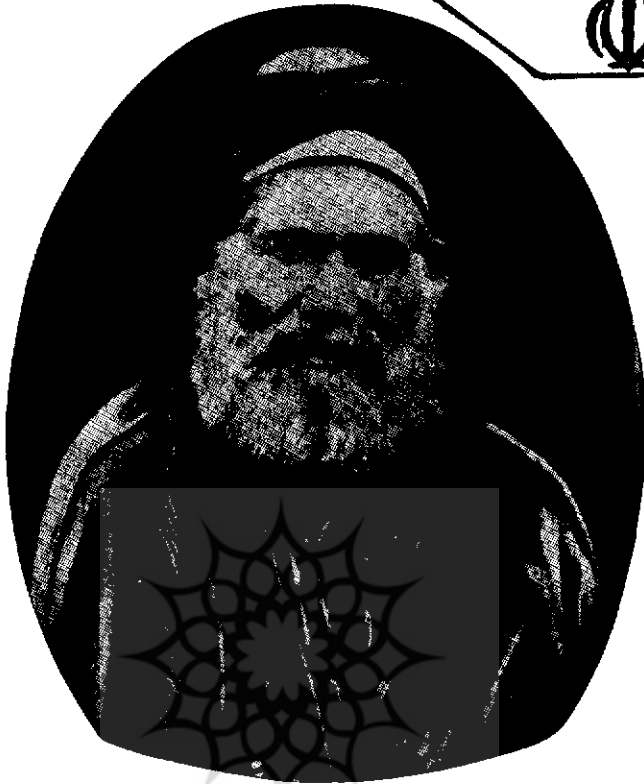
لطف یزدان نمود بیدارم - همچو موسی (ع) بخلوت یارم در تجرد چه عیسی (ع) مریم - همچو منصور بر سر دارم - نار نمرود بر خلیل آمد - لطف مولا (ع) نمود گلزارم - قبله ی هفتم است شاه رضا (ع) - در طریقت چه شیخ عطارم - قبری کرد تا بمولا شد - در مناقب چه شیر ، دلدارم - از ظهور علی الف آمد - فقر و فخری پدید ستارم
۱ : باباطاهر عریان میفرماید: بهر الفی الف قدی بر آید - الف قدم که در الف آمدستم یعنی بهر هزار سال یک شخص کامل تربیت میشود .

۲ : جانشین حاجی مونسعلیشاه شیرازی نعمت الهی ذوالریاستین حاجی زین العابدین بای قلعه ایست که در اصفهان مقیم است .

۳ : حاجی بهارعلیشاه از سلسله غلامعلیشاهی جلالی هندی خاکسار که بیشتر از یکصد سال داشته مدفنش در نجف اشرف و خانقاهش در کوفه است نامبرده جانشین قطارعلیشاه بوده که مدفنش در نزدیک قبر محتاجعلیشاه همدانی خاکسار در خانقاه حاجب بیرون دروازه دولت طهران خیابان مطبوعی است - حاجی بهارعلیشاه یزدی بخط نسخ خود و مهور بمهر خود که کاملاً بطور واضح خوانده میشد «ربیع الاولیا بهارعلی» خرقة خود را ظاهراً و باطناً بمعصومعلیشاه لاری الاصل شیرازی واگذار فرمود .

«معصومعلیشاه لاری الاصل شیرازی ابتداء از سالکان طریقه ی نعمت الهی بود که مجذوب حاجی بهارعلیشاه یزدی شده پیاده از شیراز بعثت عالیات رهسپار گردید و پس از تجدید بیعت چندین اربعین بر ریاضت پرداخته و در مرتبه ثانی حاجی بهارعلیشاه رسماً وی را در شهر کوفه بجانشینی و خلافت خود تعیین کرده امر داد که بمشهد مقدس و هندوستان رهسپار شود معصومعلیشاه خاکسار جلالی که مریدانش در طهران - بازار - نزدیک سیدولی تشریف حاصل مینمودند وی دارای بیانی فصیح و بلیغ و جذاب و بعلم الهی و فلسفه و عرفان و اصول متبحر بود . ماموربتیرا که از جانب حاجی بهارعلیشاه دارا بودند از این قرار است :

«انشاءالله بهمت روح پاک حضرت پیر بهارعلیشاه بزودی بمشهد عازم میشوم و پس از گذراندن چند اربعین در ارض اقدس رضوی بهندوستان حرکت خواهم نمود و پس از مراجعت تکلیف سلسله ی جلیله خاکسار جلالی روشن خواهد شد»



حاجی چهارمیه نزدی خیران الله علیه

پادشاه عالم در هفت مظهر تجلی کرده و این هفت تمام است تا وقت ظهور صاحب الزمان (ع) تمام طبقات هفتگانه رجال الغیب هر طبقه از طبقه مافوق خود فیض دریافت میدارند تا برسد بمقام اعلی حضرت محمد بن الحسن العسکری امام دوازدهمین قطب عالم ارواحانفاده و ارواح العالمین له الفداء .

مدت غیبت صغری هفتاد و یکسال و آخرین نواب اربعه که بمقام سفارت امام عصر (ع) مفتخر گردید و تاج نیابت بر سر گذاشت ابو الحسن علی بن محمد سمری در سال ۳۲۶ هجری بوده و غیبت کبری در سال ۳۲۹ هجری تاریخ در گذشت او بوده که شش روز قبل طی توقیعی که باو ابلاغ شده بود وقت در گذشت خود را تعیین و در سال اخیر معظم له غیبت کبری عالم را فرا گرفت .

عمر امام زمان (ع) تا این تاریخ ۱۳۸۴ قمری یکهزار و پنجاه و پنج روز است زیرا در کتاب خرقیال باب ۴ هر سالی را روزی قرار داده و بدین طریق «باز بپهلوی راست خود بخواب و چهل روز متحمل گناه خاندان یهود خواهی شد هر روزی را بجهت سالی برای تو قرار دادم.» و از انبیای قبل هم دونفر هنوز حی و زنده اند زیرا در کتاب دوم پادشاهان از آیه ۱۱ چنین مستفاد است «حضرت ایلیا باعرابه آتشین یا سمان صعود نمود «و چون آنها راه میرفتند و گفتگو میکردند اینک عرابه آتشین و اسبان آتشین آنها را از یکدیگر جدا کرد و

ایلیا در گردباد باآسمان صعود نمود» و همچنین در سفر پیدایش باب ۵ آیه ۲۴ چنین آمده است «واخنوخ باخداوند راه رفت و نایاب شد زیرا خداوند او را برگرفت».

اینک دعاهائیکه در غیبت امام زمان «ع» توصیه شده بیان میشود: دو قنوت حضرت قائم آل محمد (ع) و ساعت دوازدهم هر روز و دو دعا عهد و نسخه و استغاثه بصاحب الامر (ع) و دعائیکه از ناحیه مقدسه برای محمد بن صلت صادر شده و دعای ندبه که تاسف بر غیبت حضرت قائم «ع» است و نماز حضرت قائم «ع» و نسخه حجاب آنحضرت و دعای توسل در شاداند بحضرت قائم و سایر امامان و دعای فرج در زیارت آنحضرت.

در خانه تبرعاً غزلی که حاجب شیرازی اشجری درویش (۱) بافتنار ولادت باسعادت حضرت قائم آل محمد «ع» سروده اند درج مینماید.

| | |
|----------------------------|---------------------------|
| مهدی هادی گل گلزار حق | برده سبق در گهر از ماسبق |
| معنی حق آینه حق نما | عین حق و اصل حق و صرف حق |
| بی خبرش مضغه نگرده جنین | بی مدش نطفه نگرده علق |
| بی اثر حکمت و فرمان او | رنگ غسق می نپذیرد فلق |
| شمس بهر صبح بدرگاه او | تحفه ای اخلاق زند بر طبق |
| گر مرق مطبخ فیض نبود | کس تشدی صاحب حس و ررق |
| پادشهی کز سر انگشت عزم | پرددی او هام جهان کرده شق |
| ای که باقبال تو مادر نژاد | از همه باسبق و ما خلق |
| محنت اگر هست مراسر نوشت | دست قضا گو که بگردان ورق |
| زین هنر و فضل و کمال و ادب | بهره نبردیم بجز طعن و دق |

(۱) حاجب درویش شیرازی اشجری از مشایخ طریقه ای سلسله ای جلیله ای ذهبیه بود که در اواخر عمر خود نزدیک دروازه ای دولت خیابان مطبوعی طهران اقامت گزید و حرفه اش نقاشی و قلمدان سازی بوده و خط بسیار زیبا داشت و بزبانهای فارسی و عربی و ترکی و فرانسه و روسی بخوبی آشنا بود و اعیان مملکت از قبیل میرزا علی اصغر خان اتابک و کامران میرزا نایب السلطنه باو ارادت میورزیدند آخر الامر در همانجا نزدیک قبر عارف کامل و برادر طریقتی باجان برابر خود علیگل در خانقاه حاجیه مدفون است رحمه الله علیه



خوشبختی واقعی

خوشبختی واقعی را نمیتوان خارج از جاده تکامل روحی جست .
و این جاده سعادت واقعی ازین مراتب می گذرد .

۱ - حقیقت خوبی

۲ - خویشتن شناسی

۳ - پیشرفت دائمی

۴ - اعتدال (میانروی)

۵ - اراده

۶ - استقامت

۷ - محبت (ایرانشهر)